

## بازشناسی مفهوم بلا، سوانح، بلایی طبیعی و تأثیر رفتار در بروز آن‌ها از دیدگاه قرآن کریم

□ اسدالله رضایی \*

□ محمدعلی رضایی \*\*

### چکیده

از واژگانی که عموم مردم مرتب از آن استفاده می‌کنند، بلا، بلایا، سانحه، شرّ، رفتار و امثال آن‌ها است و بسیاری از چالش‌های زندگی فردی و اجتماعی را به بلا، بدی و شرّ، انتساب می‌کنند و حتی در ادبیات تربیت خانواده، مادر یا یکی از اعضای آن، به فرزند کوچک یا بزرگ خانواده را که سرشار از انرژی و تحرک اند، «بلا» و «شرّ»، خطاب می‌کنند. اما اینکه مفهوم واقعی و کاربرد علمی آن، چیست؟ اکثر قریب به اتفاق توده مردم، بلکه اهل علم، از آن بی‌اطلاع اند و گاهی به صورت نا به جا استفاده می‌کنند. بررسی مفهوم اصلی اینگونه واژگان دینی که در متن وحی و روایات دینی، وارد شده و جزو فرهنگ و ادبیات فرهنگ مسلمانان قرار گرفته، اجتناب ناپذیر است و ثمرات و نقش زیادی را برای اصلاح فرهنگ دینی، ایفا می‌کند. از این رو، تحقیق حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی و کاربردی، نشان داد که برداشت‌ها، و فهم‌های مردم از بلا، بلایا، سوانح و شرور، همواره منفی است در حالی که این واژگان همواره مفهوم منفی و انزجار آوری را نمی‌رساند. چنان‌که بلایا، همیشه از سوی خداوند، نیست بلکه پاره‌ای از آن‌ها، نتیجه اعمال و رفتارهای خود مردم است.

---

\*. پژوهشگر همکار پژوهشگاه بین‌المللی جامعة المصطفی ﷺ العالمية (arizaiy@yahoo.com).

\*\* . دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب.

واژگان کلیدی: مفهوم بلا، بلایای طبیعی، حوادث، تأثیر رفتار، بروز بلایا.

## مقدمه

مباحثات عمومی و گفت وگوهای توده‌ای و حتی برخی مجامع علمی و نوشته‌های اکادمیک، واژگان متعددی مرادف هم، به کار می‌رود و با اینکه دارای مفاهیم متفاوتی است ولی از آن‌ها به نوعی معنای واحدی اراده می‌شود. واژگان: بلا، بلایا، حوادث، شرّ، و شرور، و کلمات مشابه آن‌ها، از این دسته مفاهیمی است که به رغم، کاربرد فراوان، اکثر مردم بلکه اصحاب دانش نیز، از درستی مفهوم آن‌ها، مطمئن نیستند و گاهی کلماتی از این دست را، نادرست استفاده می‌کنند. از این رو، تبیین معنا و ماهیت اصلی این کلمات که ریشه در متون دینی دارد، یک ضرورت است و این ضرورت را تحقیق پیش رو، به هدف اینکه رفتار توده مردم و حتی خواص، در استفاده نا به جا از این واژگان، و اندیشه و طرز تفکر آنان، نسبت به آن‌ها، اصلاح، گردد، عهده دار شده است. هر چند که بیان معانی واژگان مورد نظر، به صورت پراکنده در برخی منابع و مقالات، دیده می‌شود، لکن بررسی ریشه‌ای آن‌ها از نظر لغت و اصطلاح و کاربرد درست و مفهوم و حیانی آن‌ها، بی‌پیشینه است و با جست و جوی که انجام گرفت، پژوهشی با این ویژگی، یافت نشد. بنابر این، مفاهیم گفته شده، با استفاده از منابع اصلی و تخصصی، به بررسی سپرده می‌شود.

## ۱. بلاء و بلایا

اکثر واژه شناسان، واژه «بلاء»، را اسم مصدر - همانند سَلَامٌ - از ریشه «بَلَوَ»، می‌دانند که واو آن تبدیل به یاء شده بر وزن تَعَبَ (بَلَى، یَلَى، بَلَى، و بَلَاءٌ و هَوْبَالٍ)، به معنای امتحان، (فیومی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۶۲)، اختبار، آزمون و تجربه، (آزدی، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۱۴۷)، کُهنه و فرسودگی، (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۲۹۲)، غَمّ و اندوه، (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۹، ص ۲۱۷). است. و در عصر جاهلی، به آن شتری که بعد از مرگ صاحبش در کنار قبر وی بسته می‌شد، تا بمیرد «بلیه» اطلاق می‌شده است. (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ص ۳۵۴) به نظر می‌رسد، امتحان و آزمون، که منتهی به اندوه و فرسودگی جسم می‌شود، معنای جامع این ماده باشد. آزمودن و امتحانی، که هم با خیر و هم با شرّ و بدی، صورت می‌گیرد، (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۸، ۳۴۰؛ آزدی،

۱۳۸۷: ج ۱، ص ۱۶۴)، از معانی فرعی، آن است.

برخی، اگر معنای اصلی این ماده را ایجاد تحوّل، تقلّب و تحویل برای رسیدن به نتیجه مطلوب می‌داند، و معانی اختبار، امتحان و ابتلا و تجربه را معانی مجازی و از لوازم تحوّل البته به حسب موارد، می‌شمارد، (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۳۳۶)<sup>۱</sup>، بدان جهت باشد که تحوّل در روند زندگی - از سلامتی به بیماری - نوعی آزمودن است.

راغب اصفهانی، با توجه به کار رفتن این واژه در قرآن کریم و روایات، ماهیت اصلی آن را آزمون و اختباری خسته کننده، می‌داند؛ در مثل «بَلَى الثَّوبُ بِلَى وَ بَلَاءٌ» یعنی لباس، مندرس و فرسوده شد. یا «سَافَرَ بَلَاءُ سَفَرًا»، یعنی سفر، او را خسته کرد. و «بَلَوْتُهُ»، یعنی آزمودم او را؛ گویا با کثرت امتحان او را خسته کردم. و به غم و غصّه، اگر بلا، اطلاق می‌شود بدان جهت است که جسم (و روح)، را فرسوده می‌کند؛ چنان‌که قرآن فرمود: «وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ». (بقره/۴۹). و به تکالیف شرعی، از سه جهت بلا، اطلاق شده است: از آن جهت که تکالیف بر بدن‌ها سختی و دشواری می‌کند. از آن جهت که تکالیف آزمون‌های است برای انسان، چنان‌که قرآن فرمود: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ». (محمد/۳۱). و سوم از جهت اختبار و امتحان؛ امتحان به مسرت و سرور، برای شکرگذاری و امتحان به ضرر و زیان‌ها، برای صبر و برد باری؛ بنابر این، محنت و منحت (زحمت و رحمت) هر دو بلا است ولی مقتضای محنت و زحمت، صبر است و مقتضای منحت و رحمت و شکر است؛ به همین جهت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، فرمود: «مَنْ وَسَّعَ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ فَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّهُ قَدْ مُكِرَ بِهِ فَهُوَ مَخْدُوعٌ عَنْ عَقْلِهِ». (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸: ص ۶۶). بنابر این، بلا، به معنای آزمون و امتحانی خسته کننده است که جان و روان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، به حوادث تلخ طبیعی، غیر مترقبه و خارج از اختیار انسان، که خسارت‌های جانی و مالی را در پی داشته و جان و روان، جامعه را متأثر سازد، بلا اطلاق می‌شود.

## ۲. سوانح و سانحه

واژه دیگر که معمولاً مرادف بلا، به کار می‌رود، کلمه «سوانح»، است. و سوانح، جمع

سانحه از ریشه «سَنَح» (سَنَح، یَسْنَح، سُنُوحاً)، در فرهنگ اعراب، در اصل، به معنای نمایان شدن چیزی از دور بوده، که با پدیدار شدن آن، فال بد می‌زده‌اند. بدین معنا چنانچه آن شیء - پرنده یا هر حیوانی - از سمت راست عبور می‌کرده، گفته می‌شد: «سَنَح سُنُوحاً»، یعنی بد شوم و نحس است، سپس به طور استعاره یا مجاز، برای هر حادثه شوم و عارضه غیر مترقبه، (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۱۰۴؛ زمخشری، ۱۳۹۹: ص ۳۰۹)، به کار رفته است.

در اصطلاح، طبیعت شناسان، سانحه: «به تخریب و ویرانی وسیعی گویند که عملکرد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب آسیب به انسان‌ها، اشیاء و محیط زیست می‌شود. و هم‌چنین بازسازی ویرانی خارج از توانایی جامعه متأثر شده با استفاده از منابع خود می‌باشد». (شریفی سده، ۱۳۸۹: ص ۱۰).

### ۳. حوادث و حادثه

حوادث جمع حادثه، از ماده «حَدَث»، رخ دادن، حادث شدن و پدید آمدن چیزی پس از نبودن، معنا می‌دهد و به‌پدیده که نبوده و ایجاد شده، گفته می‌شود: «حَدَثٌ أَمْرٌ بَعْدَ أَنْ لَمْ يَكُنْ»؛ چنان‌که به‌جوان و نوباوه گفته می‌شود: «حَدِيثُ السِّنِّ». به همین جهت ایجاد کلامی پس از کلامی را «حَدِيثٌ» می‌گویند. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۴۶)<sup>۲</sup>. و معنای جمله: «حَدَثَانِ الدَّهْرِ»، حوادث روزگار، رویدادهای دهر و فراز و فرودهای روزگار است. (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۳۳). مُحَدَّثٌ، به‌چیزی گفته می‌شود که نبوده و ایجاد شده و این ایجاد یا در حقیقت و ذات اوست یا از سوی کسی ایجاد شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸: ص ۱۱۵). بنابراین، به اتفاقات جدید و معمولاً غیر مترقبه حادثه و حوادث اطلاق می‌شود.

### ۴. شرّ و شرور

واژه «شَرّ»، از باب تَعَبَّ یا قَرَبَ، از ریشه شَرَّ (شَرَّ، شَرُّ، شَرّاً و شَرّاً)، در اصل به‌معنای انتشار و فراگرفتن، بوده و از آن، کلمه شَرّ، خلاف خیر، که جمع آن شَرار، می‌آید گرفته شده است. جمله: «وَالشَّرُّ، مَا تَطَايَرُ مِنَ النَّارِ»، یعنی انتشار و فرا گرفتن آتش. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۱۸۰)<sup>۳</sup>. و شَرّ (شرر)، خلاف خیر، معنای بدی (سوء)، (آزادی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۷۱)، فساد و ظلم

را می‌دهد. (فیومی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۳۰۹). و شرّ، چیزی است که همه از آن گریزانند و روی بر می‌تابند بر خلاف خیر، که همه به او متمایل اند؛ رجلٌ شرّیرٌ و شرّیرٌ: مرد شرور و فتنه انگیز؛ قوم اشرار: مردمی فتنه انگیز. اشرزّه: او را به شرّ و بدی نسبت دادم، (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸: ص ۲۶۶)، است. و واژه شرّ، مجازاً به ابلیس - بدان جهت که دستور دهنده سوء، فحشاء و مکروه است - فقر، و تبّ (الحُمی)، نیز به کار می‌رود. (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۷، ص ۱۷). و اینکه به چه مناسبتی، از مفهوم اصلی شرّ (انتشار و فراگیری)، معنایی ضدّ خیر، یعنی بدی و فساد و همانند آن، اخذ شده، احتمال دارد خاصیت فراگیری و انتشار در مفهوم شرّ، و اینکه همگان را در خود درگیر می‌کند، این معنا را به خود اختصاص داده باشد.

واژگان خیر و شرّ، در ادبیات دانش کلام، دایره وسیعی از مفاهیم مثبت و منفی را فرا می‌گیرد و به‌همین جهت، معانی نادرستی نیز، برای آن دور از انتظار نیست ولی مفهوم صحیح خیر، عبارت است از چیزی که برای انسان سود باشد و سعادت را به ارمغان بیاورد و شرّ، عبارت است از چیزی که برای انسان زیانبار باشد و موجب شقاوت و بد بختی را فراهم سازد. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶: ج ۹، ص ۱۷۲). بنابر این، خیر، سود و نفعی است که برای زندگی انسان همیشه زیانبار نباشد و شرّ، زیانی است که برای زندگی انسان همواره، سودمند باشد؛ چنان‌که امیر مؤمنان (علیه السلام)، در بخشی از خطبة الوسيلة، هر ناملایمتی را شرّ و هر خوشایندی را، خیر نمی‌داند: «مَا شَرٌّ بِشَرٍّ بَعْدَهُ الْجَنَّةُ، وَمَا خَيْرٌ بِخَيْرٍ بَعْدَهُ النَّارُ؛ وَكُلُّ نَعِيمٍ دُونَ الْجَنَّةِ مَحْقُورٌ، وَكُلُّ بَلَاءٍ دُونَ النَّارِ عَافِيَةٌ». (همان: ص ۱۷۴).

با توجه به‌اینکه «شرّ»، به شرّ مطلق و شرّ نسبی، قابل تقسیم است، بی‌تردید خداوند پدیده‌ای را که شرّ مطلق باشد، یا شرّش بر خیرش غلبه داشته باشد، یا شرّ و خیرش برابری کند، نمی‌آفریند بلکه تنها پدیده‌ای را که خیرش بر شرّش غلبه داشته باشد، می‌آفریند. (همان: ص ۱۸۱).

شرور، در این تحقیق، به‌معنای مجموعه حوادث غیر مترقبه، ناملایمت‌ها، کاستی‌ها، و زیان‌ها که به‌سه نوع: شرور، از ناحیه طبیعت بر انسان، و شرور، از ناحیه انسان به‌انسان و شرور، از ناحیه خود انسان به انسان، تصویر می‌شود، (فخر رازی، ۱۴۰۷: ج ۹، ص ۱۳۳)، که این سطور، تنها به‌نوع اول آن، می‌پردازد.

## ۵. مفهوم طبیعی

واژه: «طبیعی»، منسوب به طبیعت است. و برای طبیعت، مفهوم روشن و قابل قبولی ارائه نشده است. با این حال، از دیدگاه فلاسفه، طبیعت، عبارت است از: ماهیت و حقیقت نخست که حرکت و سکون در آن ذاتی باشد نه عارضی. بنابراین، نفس‌های انسان هر چند که دارای نمو و حرکت است ولی مبدأ نخست نیست، بلکه نمو و حرکت آن، ناشی از میل جسم به طبیعت است. هم‌چنین به دست ساخته‌های بشر، بدان جهت که حرکت و سکون در آن‌ها عارضی است - نه بالذات - طبیعت اطلاق نمی‌شود. (آزدی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۸۱۸). و امور طبیعی، از چهار ویژگی: انیت، وضعیت، کمیت و کیفیت، برخوردار است. (همان). برخی آن را: به‌جوهری دارای ابعاد سه‌گانه که: زوایای قائمه آن با خط مستقیم، قطع شود، تعریف می‌کند. (عبیدلی، ۱۳۸۱: ص ۵۱). بنابراین، حوادث و پدیده‌های ناگهانی و پیش‌بینی نشده با خاستگاه طبیعت، که خسارت‌های وسیع مالی و جانی به‌جا می‌گذارد، بلای طبیعی، گفته می‌شود؛ زلزله، سیل، طوفان، سونامی، آتش‌فشان، و.. نمونه‌های روشن بلایا و سوانحی است، منسوب به طبیعت.

## ۶. مفهوم بلایای طبیعی

آنچه در ارتباط به مفهوم بلا، و واژگان مترادف آن، که پیش از این مورد کاوش قرار گرفت، ریشه‌یابی و مبنا شناسی بلایا، در ادبیات دانش پایه یعنی واژه شناسی متناسب با موضوع تحقیق بود، ولی سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای امداد رسان و کارشناسان حوادث طبیعی، تعریفی که از بلایا و سوانح، ارائه می‌دهند، به‌نوعی با ماهیت اصلی حادثه هماهنگ اند هر چند با ادبیات جامع تر. بر همین اساس، برخی کارشناسان امداد رسان بلایای طبیعی را چنین تعریف می‌کند:

بلاهای طبیعی عملی از طبیعت است با چنان شدتی که وضعی فاجعه انگیز ایجاد کند و در این وضع شیرازه زندگی روزمره ناگهان گسسته شود و مردم دچار رنج و درماندگی شوند و در نتیجه به غذا، پوشاک سر پناه، مراقبت‌های پزشکی و پرستاری و سایر ضروریات زندگی و به محافظت در مقابل عوامل و شرایط نامساعد محیط محتاج گردند. مانند: زلزله، بهم، آشفشان، امواج عظیم دریایی،

بازشناسی مفهوم بلا، سوانح، بلایی طبیعی و تأثیر رفتار در بروز آن‌ها از دیدگاه قرآن کریم □ ۱۳

رانش زمین، سیل، طوفان، و سرما و گرمای شدید و.. (رییس اکبری، ۱۳۸۴: ص ۹).

به عبارت دیگر، «بلا، فوریتی است که پاسخ به آن، از توانی فراتر از توان جامعه آسیب دیده نیاز دارد». به جای این واژه از «بحران»، نیز استفاده می‌شود. (اردلان، ۱۳۹۴: ص ۲۷).

دبیرخانه راهبردی بین المللی وابسته به سازمان ملل متحد، به نام اختصاری: ISDR بلایا (DISASTER) و سوانح را عبارت می‌داند از:

از هم گسیختگی جدی در عملکرد یک جامعه که ناشی از تعامل مخاطرات با شرایط و ویژگی‌های آن جامعه اعم از میزان مواجهه، میزان آسیب پذیری و ظرفیت‌های موجود آن می‌باشد و حاصل آن ایجاد خسارات و پیامدهای زیانبار انسانی، سرمای‌های و یا زیست محیطی است. (جهانگیری، بی تا: ص ۱۹۵۵).

سازمان بهداشت جهانی (WHO)، تعریفی برای بلایا و سوانح طبیعی ارائه می‌دهد که غیر مترقبه بودن، خسارت و ایجاد بحران را عناصر اصلی آن، می‌داند:

سوانح و حوادث، پدیده‌های ناگهانی و پیش بینی نشده و یا قابل انتظاری هستند که از چنان شدتی برخوردارند که برای پاسخگویی و مدیریت آن به اخذ کمک از محلی خارج از محل وقوع سانحه نیاز است. در این شرایط تعادل بین نیازها و منابع موجود بر هم خورده و آسیب‌ها و تخریب‌های وارده باعث ایجاد نیازی مازاد بر ظرفیت‌های موجود در آن جامعه می‌گردد. قلمداد کردن یک واقعه به عنوان بحران تا حد زیادی بستگی به میزان آمادگی جامعه و چگونگی مواجهه و سازگاری با عواقب و پیامدهای ناشی از آن دارد. بنابر این به یک زمین لرزه با بزرگی هفت ریشتر که در یک منطقه خالی از سکنه روی دهد بحران اطلاق نمی‌گردد اما همین زلزله با بزرگای مشابه در یک بافت شهری پرجمعیت و فرسوده، بحران قلمداد می‌شود؛ چون این جامعه برای پاسخگویی به آسیب‌ها و خسارات محتمل آماده نبوده و نیازمند منابعی فراتر از ظرفیت‌های موجود در جامعه است. (همان).

## ۷. رفتارهای فردی و اجتماعی خاستگاه بلایا

واژه «رفتار»، در ادبیات فارسی، معادل «عمل»، در ادبیات عرب است. و عمل، از باب عَمَلْ

(عَمِلَ، يَعْمَلُ عَمَلًا فَهُوَ عَامِلٌ، (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۱۵۳)، به معنای هر کاری است که از انسان سر بزند. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۱۴۵). البته، نه هر کاری بلکه کاری که با قصد و انگیزه از جاندار، صدور بیابد. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸: ص ۳۶۱). و تفاوت «عمل» و «فعل»، در این است که عمل اخص از فعل است؛ زیرا فعل گاهی به حیوانات و جمادات (غیرانسان)، نسبت داده می شود که فاقد قصد است. و به همین رو، به حیوانات و جمادات، عمل نسبت داده نمی شود. (همان). چنان که تفاوت دیگر عمل و فعل، در این است که عمل، ایجاد اثر، در چیزی است؛ و گفته می شود: «فَلَانٌ يَعْمَلُ الطِّينَ خَزْفًا وَيَعْمَلُ الْخَوْصَ زَنْبِيلاً»: خاک را به سفال، برگ خرما را به زنبیل، عمل کرد ولی گفته نمی شود: يَفْعَلُ الطِّينَ خَزْفًا؛ برای اینکه فعل شیء، ایجاد و آفریدن آن است نه ایجاد اثر. (عسگری، ۱۴۰۰: ص ۱۲۷). برخی، «مظاهر و نمود یافتن کاری را در خارج»، معنای اصلی ماده عمل، می داند؛ برای اینکه هر پدیده ای که در خارج از انسان، صدور پیدا می کند به لحاظ انتساب به فاعل در جهت صدور، شأن گفته می شود و به لحاظ وقوع و تحقق آن در خارج، عمل، اطلاق می گردد. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۸، ص ۲۲۴).

بنابراین، هرکاری که از روی قصد و انگیزه از انسان سر بزند و در خارج نمود پیدا کند، عمل یا رفتار، اطلاق می شود.

در علم روان شناسی، برای «رفتار»، تعاریفی مختلفی ارائه شده که از میان آن ها به دو نمونه، که به نظر می رسد، هماهنگ با آنچه نسبت به مفهوم عمل گفته شد، بسنده می شود:

- رفتار واکنشی است که در برابر یک عمل یا کنش بیرونی از موجود زنده سر می زند.

(<http://psychology.harferooz.com>. <https://fa.wikipedia.org/wiki>)

- هر فعالیت و عملی که موجود زنده انجام می دهد و متضمن کارهای بدنی آشکار و پنهان اعمال فیزیولوژیک، عاطفی و فعالیت عقلی باشد، این اصطلاح برای هر عمل خاص یا مجموعه اعمال به کار می رود. (عمو عبداللهی، بی تا: ص ۱).

چنان که بیشتر رفتار شناسان، برای رفتار اجتماعی، این تعریف را ارائه می دهند: «رفتار اجتماعی، رفتاری است که از فرد یا گروه، نسبت به کسی یا چیزی در چارچوب فرهنگ مادی و معنوی سر می زند». (همان).



رفتارهای اجتماعی، از دیدگاه دانش رفتارشناسی، ممکن است گونه‌های مختلفی داشته باشد ولی می‌توان آن را در یک تقسیم کلی به دو نوع: «رفتار جامعه پسند و رفتار جامعه ستیز»، تقسیم کرد که در این تحقیق، نوع مخرب و هنجار شکنانه آن، مورد نظر است: «رفتار جامعه پسند آن دسته از رفتارهایی را شامل می‌شود که مورد قبول جامعه بوده، با قوانین و هنجارهای جامعه مطابقت دارد». (<http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara>). این نوع از رفتارها، بی‌تردید سازنده است، همانند نوع دوستی، رعایت قوانین عمومی و... و در جهت پیشبرد اهداف یک گروه یا اجتماع، شکل می‌گیرد.

«رفتار جامعه ستیز، رفتارهایی منفی هستند که با قوانین و معیارهای جامعه مطابقت ندارند. مورد قبول افراد جامعه نیستند و اغلب پیامدهای منفی اجتماعی را برای فردی که مرتکب این رفتارها می‌شوند به همراه دارند». (<http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page>). این دسته از رفتارها، بی‌گمان مخرب، هنجار شکنانه بوده و مانع پیشبرد اهداف گروه یا اجتماع، می‌شود و پیامدهای مخرب فراوانی را در پی خود داشت.

بنابراین، رفتارهای اجتماعی مورد بحث است که جامعه ستیز یا هنجار شکنانه، باشد و آن عبارت است از: هرکار منفی و ناسازگار با قوانین عمومی و معیارهای جامعه، که از روی قصد و انگیزه از انسان سر بزند و در خارج بازتاب‌های نامطلوب و خسارت بار، ایجاد نماید. پاره‌ای از رفتارها، چنانچه عامل بعضی بلایا، شمرده نشود، بدون تردید زمینه ساز آن‌ها، خواهد بود. اینک به فشرده از تأثیر رفتارهای جمعی و فردی در بروز بلایا، از دیدگاه قرآن کریم، اشاره می‌شود.

هر چند که بیشترین توجه قرآن کریم، به نمادهای جمع، چون: «ناس»، (بقره/۲۴۳) «بشر»، (ابراهیم/۱۰) «کفار»، (بقره/۶۱)، جمعیت‌ها، اقوام، (فصلت/۶ و ۷) و گروه‌هاست، (روم/۴۱)، لکن مورد نظر بودن فرد، در ضمن جمع از یک‌سو، و اشاره به نمادهای فردی (صالح و طالح)، از دیگرسو، تأثیر رفتارهای فردی در بروز بلایا را بی‌تأثیر نمی‌داند:

#### ۱-۷. آیات شمول فرد

آیاتی که نقش عموم را (فرد و جمع) در بروز بلایا و مصیبت‌ها، تأثیر گذار می‌داند، به‌عنوان نمونه عبارتند از:

«وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكُمْ». (نساء/۷۹).

- «وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ». (شوری/۳۰).  
 - «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيَ النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ». (روم/۴۱). و بی تردید، بدان جهت که افراد از جهات مختلف عضو اصلی و فعال جامعه به شمار می رود، رفتار بد و نا هنجار او، زمینه حوادث تلخ را فراهم می کند؛ قطع جنگل ها، مسدود نمودن مسیل ها، در بروز سیل<sup>۱</sup>، انتقال بیماری های واگیر<sup>۲</sup>، در آغاز جنبه فردی دارد تا سر انجام همه جامعه را درگیر می کند، و چنان که گفته شد، این آیات، انواع بلایای طبیعی، زلزله، سیل، خشکسالی، قحطی و بیماری های واگیر و کشنده را محصول رفتار خود انسان اعم از فرد و جمع، می داند.

## ۷-۲. آیات خاص

گروهی از آیات، پاره ای از حوادث ناگوار و ناخوشایند را به فرد و افراد نسبت می دهد و فرد را مسؤول آن حادثه می خواند؛ آیه شریفه: «وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ»، (بقره/۳۵)، که داستان اخراج حضرت آدم و حوّا علیهم السلام از بهشت را مطرح می کند، بر اصل تأثیر گذاری رفتار افراد بر بروز پیامدهای تلخ رفتار، صحنه می گذارد؛ زیرا گذشته از آنکه آدم علیه السلام، پیامبر بود و مرتکب معصیت الهی نشد بلکه مرتکب ترک افضل و مستحب (ترک اولی)، شد، (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۱۹۵)، و فریب شیطان را در باره درخت ممنوعه را خورد، (بقره/۳۶)، پیامدهای چون: بیرون رانده شدن از بهشت، حبوط به زمین و گرفتار آمدن زندگی تلخ دنیایی و بلای دشمنی در میان نسل و ذریه ای او: «بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ»، دامن گیر حضرت شد و این در حالی است که نه، نهی «لاتقربا»، نهی تحریمی بود (بلکه تنزیهی و ارشادی بود) (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۱۵۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۲۰۰-۲۰۱)، و نه، رفتار آدم، نافرمانی خدا، به شمار می رفت بلکه ظلم به خودش بود، (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۲۰۱) و حتی هبوط به زمین،

<sup>۱</sup>. همانند سیل در وازه قرآن شیراز در ۱۳۸۹ که به سیل انسان ساخت، شهرت یافت و خسارت مالی و جانی

فراوانی به بار آورد: <https://www.zistonlie.com/tag>

<sup>۲</sup>. انتقال و شیوع و تکثیر، ویروس مرگبار کرونا در شرایط خاص کلا توسط به افراد دیگر جا به جا می شود.

به خاطر نافرمانی نبود بلکه بدان جهت بود که عورات آن دو، در اثر خوردن درخت ممنوعه که هدف شیطان هم همین بود، نمایان گشت و آن دو عضو، که مظهر تمایلات حیوانی است مستلزم غذا خوردن و زمینی شدن شد. (همان: ۱۹۶).

نخستین اثر دردناک رفتار آدم عليه السلام، ناشی از ترک افضل و مستحب، که عبارت از بلای دشمنی، عداوت و حسادت میان نسل او، باشد: «بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ»، دامن فرزندان بلا فصل او را گرفت و قایل، برادر بی‌گنااهش را از روی حسادت پذیرفته نشدن نذرش در پیشگاه خداوند، به قتل رساند: «فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ...»، (مائده/۲۷)، و بلای دیگر، یعنی درماندگی در پنهان نمودن جنازه برادرش را به نمایش گذاشت و به تعبیر قرآن برای همیشه تاریخ، جزء زیان کاران و نادمان قرار گرفت. (مائده/۳۱).

بخشی از قصه‌های هدایت گر قرآن کریم، مربوط به رفتار تک روانه فرعون می‌شود که خودش را پروردگار مردم خواند، (قصص/۳۸) و در رفتارهای متکبرانه و خدا ستیزانه‌اش بیش از اندازه زیاده روی کرد؛ قرآن، او را با اوصاف: «عُلُوٌّ»، به معنای افراط در برتری طلبی، (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸: ص ۳۵۸) و «مُسْرِفٌ»، (یونس/۳۸)، به معنای تجاوز از حد در هر کاری، (همان)، «طغیانگر»، (طه/۲۴ و ۴۳؛ نازعات/۱۷)، افراط در معصیت، (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸: ص ۳۱۸)، «عصیانگر»، (مزمل/۱۶)، به معنای خروج از طاعت، (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸: ص ۳۵۰)، «مستکبر» بی‌سابقه، (عنکبوت/۳۹)، به معنای خود بزرگ پنداری کاذب، (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸: ص ۴۳۹) و «خطاکار»، (قصص/۸)، معرفی می‌کند. فرعون، با اوصافی که داشت در مجموعه‌ای زیر فرمان خود، تأثیر عمیقی گذاشت و نظام استبدادی شدیدی را به وجود آورده بود. (اعراف/۱۰۳).

خداوند، رفتار طغیان‌گرایانه فرعون و مجموعه‌ای او را بی‌پاسخ نگذاشت؛ ابتدا به جرم رفتارهای مجرمانه‌ای‌شان، گرفتار بلایای قحطی و خشکسالی و عوارض ناشی از آن، کرد تا شاید اصلاح شود (اعراف/۱۳۰) و چون، از ظلم و بیدادگری دست بر نداشت و همچنان به سرکشی خود ادامه داد، او، و همه پیروانش را مجازات جمعی کرد و به بلای غرق شدن در

دریا مبتلا ساخت: «أَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَاعْرِفْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلُّ كَانُوا ظَالِمِينَ». (انفال/۵۴؛ یونس/۹۰). در آیه دیگر، رفتار فرعون را عدوانی و باغیان، (یونس/۹۰)، و از کیفر آنان به «غشاء»، به معنای سر به نیست کردن، (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸: ص ۳۷۵) در آب دریا، (طه/۷۸)، تعبیر می‌کند که همه، در اثر رفتارهای فردی خدا ستیزانه فرعون است. گرفتار آمدن به پیامد رفتارهای افراد، جزء سنت الهی است، دیر یا زود، زیاد یا کم جامه عمل پوشیده و دامن فرد خطار کار را می‌گیرد. (فاطر/۴۳).

در امت اسلام ﷺ نیز، افرادی که به بهانه‌ای گرمای شدید و فصل جمع آوری محصولات، از فرمان رسول خدا ﷺ سرپیچی کردند و در جنگ تبوک حضور پیدا نکردند، نه تنها از کارشان خوشحال بودند که دیگران را نیز، منع می‌کردند، (توبه/۸۱)، ولی به زودی متوجه اشتباه خود شدند و با بازگشت پیامبر عذرخواهی کردند! حضرت فرمود منتظر فرمانی الهی، می‌ماند. (جصاص، ۱۴۰۵: ج ۴، ص ۳۶۹). اما چون فرمان خدا، بر تشدید و سخت‌گیری آنان نازل شد، پیامبر دستور داد همه مردم، حتی همسران شان، با آنان قطع رابطه کنند و با آنها هم سخن نشوند! و این بلای روحی و اجتماعی، ۵۰ روز طول کشید و وضع، به جای رسید که زمین و زمان بر آنان تنگ آمد، (توبه/۱۱۸)، و این زمان زیاد، به معنای رد توبه آنان نبود بلکه خدا با تأخیر قبولی توبه، آنان را کیفر داد تا هم خود اصلاح شوند و هم مایه عبرت دیگران باشند. (همان: ۳۶۹-۳۷۰).

بنابراین، این دسته از آیات، ضمن اینکه حوادث طبیعی چون: قحطی، خشکسالی، تغریق و امثال آنها را، بلایا و ناخوشایند معرفی می‌کند، نتیجه رفتارهای خصمانه فرد و کفیر گناهان وی می‌شمارد.

## ۸. طبقه بندی بلایا

هرچند که گونه‌های سوانح و حوادث طبیعی یا در اثر بازتاب‌های رفتارهای انسان و دخالت تأثیرگذارانه در طبیعت، غیر قابل پیش بینی است، بی‌گمان نوع جدیدی از حوادث با خاستگاه طبیعت را، نمی‌توان منتفی دانست، و با این حال، می‌شود بلایا را به دو صورت طبقه بندی کرد:

## ۸-۱. طبقه بندی انواع بلایا و سوانح

در مورد طبقه بندی انواع بلاها، دیدگاه‌های متفاوتی با مبانی متفاوتی ارائه شده است که به معروف ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۸-۱-۱. در یک طبقه بندی بلایا را بر مبنای طول زمان، طبقه بندی نموده اند که به دو

گروه: بلایا و بحران‌های ناگهانی و بلایای تدریجی، تقسیم می‌شود:

**بلایای ناگهانی؛** به آن دسته بحران‌های اطلاق می‌شود که غیر قابل پیش بینی است و به نوعی غافل گیرانه است؛ زلزله، زمین لغزش، آتشفشان، سونامی، بهمن، طوفان، سیل و همه گیری بیماری‌های واگیر (آنفلانزا، کرونا)، در این گروه از بلایا، می‌گنجد.

**بلایای تدریجی؛** به سوانح و بحران‌های گفته می‌شود که قابل پیش بینی است و در بازه زمانی رخ می‌دهد؛ خشکسالی، قحطی، بیماری‌های مزمن، که به تدریج جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، جزء حوادث تدریجی به شمار می‌رود. (جهانگیری، بی‌تا: ص ۱۹۵۶).

۸-۱-۲. گروه دیگر، بلایا و حوادث را از نظر علل موجد و پدید آورنده، به دو گروه کلی:

طبیعی و تکنولوژی یا فناوری، طبقه بندی می‌کنند:

**بلایای طبیعی؛** به واکنش‌های شدید طبیعت اطلاق می‌شود که در زمان کوتاه بیشترین خسارت‌ها را وارد می‌کند. (رییس اکبری، ۱۳۸۴: ص ۹). و خود به پنج زیرگروه، قسمت می‌شود: ژئوفیزیک؛ چون زلزله، رانش زمین و آتشفشان. متروژیک؛ مثل انواع طوفان‌ها و دمای زمین. هیدروژیک؛ همانند سیل. اقلیمی؛ مثل خشکسالی و آتش سوزی جنگل‌ها. و زیستی؛ مانند: اپیدمی بیماری‌های مُسری. (جهانگیری، بی‌تا: ص ۱۹۵۷).

**بلایای تکنولوژی و فناوری؛** به آن دسته حوادثی گفته می‌شود که ناشی از بازتاب‌های عملکرد انسان است و به حوادث صنعتی (نشت گاز، نفت و مواد شیمیایی)، حوادث ناشی از حمل و نقل (ریلی، هوایی و دریایی) و حوادث متفرقه (انفجار، فروریختن ساختمان و...)، طبقه بندی می‌شود. (همان؛ مشکسار، ۱۳۹۷: ص ۲؛ اردلان، ۱۳۹۴: ص ۲۵).

۸-۱-۳. سازمان جهانی بهداشت بلایا و حوادث را به سه گروه: طبیعی، انسان ساخت و

پیچیده، دسته بندی نموده است:

بلایای طبیعی؛ به مجموعه‌ای از حوادث زیانبار گفته می‌شود که منشأ انسانی ندارد و معمولاً غیر قابل پیش بینی است و یا از مدت‌ها پیش، نمی‌توان وقوع آن‌ها را پیش بینی کرد؛ بلکه غیر متقبه است ([https:// www. Imna.ir](https://www.Imna.ir)) زلزله، سیل، آتشفشان جزء بلایای طبیعی است. بلایای انسان ساخت؛ به مجموعه حوادث و بلایای اطلاق می‌شود که انسان در ایجاد آن، نقش مستقیم دارد، و دو نوع عمدی و غیر عمدی، تقسیم می‌شود.

بلایای پیچیده؛ از این نوع بلایا که تحت عنوان فوریت پیچیده نام برده می‌شود، به ترکیبی از منازعات داخلی همراه با آوارگی، و مهاجرت مردم در سطح وسیع، قحطی گسترده، کمبود مواد غذایی، شرایط بد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، اطلاق می‌شود (جهانگیری، بی‌تا: ص ۱۹۵۷).

## ۲-۸. سطح بندی بلایای از نظر بزرگی

از نگاه ایجاد فراخوانی امکانات و پاسخگویی، بلایا به چهار سطح اضطرار، گروه‌بندی می‌شود: - بلایا و حوادثی که منابع و سازمان‌های محلی می‌تواند پاسخگو باشند. - بلایا و بحران‌های که امکانات محلی پاسخگو نیست و برای کنترل به کمک منطقه نیاز است.

- بلایا و سوانحی که از حد توان امکانات محلی و منطقه‌ای فراتر است و ضرورت به کمک‌های ملی است.

- بلایای که پاسخگویی آن از نیروها و امکانات ملی خارج است و کمک‌ها و امدادهای جهانی و بین‌المللی را فرا می‌خواند. (همان). بنابراین، بلا، بلایا، حوادث، سوانح و... بخشی از جدا ناپذیر زندگی بشر است و در پاره‌ای از آن نقش انسان، غیر قابل انکار است.

## نتیجه

بلا، و بلایا به مفهوم آزمون و امتحانی خسته کننده‌ای است که جان و روان انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و هر از گاهی زندگی بشر را تهدید می‌کند. چنان‌که حوادث طبیعی، پدیده غیر مترقبه و خارج از اختیار انسان است که خسارت‌های جانی و مالی را در پی داشته و جان و روان، جامعه را متأثر سازد. طبیعت شناسان، سانحه را: تخریب و ویرانی وسیعی که

عملکرد جامعه را مختل کند و سبب آسیب به انسان‌ها، اشیاء و محیط زیست، برساند، و بازسازی ویرانی را خارج از توانایی جامعه، برساند، معنا می‌کنند؛ به همین رو، سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای امداد رسان و کارشناسان حوادث طبیعی، تعریفی که از بلایا و سوانح، ارائه می‌دهند، به‌نوعی با ماهیت اصلی حادثه هماهنگ اند. بخشی از بلایا و حوادث طبیعی، با رفتارهای انسان در ارتباط است؛ یعنی هرکاری که از روی قصد و انگیزه از انسان سر بزند و در خارج نمود پیدا کند، عمل یا رفتار، نام می‌گیرد و در بروز بلایا، مؤثر است و گروهی از آیات قرآن کریم، ضمن اینکه حوادث طبیعی چون: زلزله، سیل، قحطی، خشکسالی، انواع بیماری را، بلایا و ناخوشایند معرفی می‌کند، نتیجه رفتارهای خصمانه فرد و کفیر گناهان بشر، معرفی می‌کند که در دو طبقه‌ای: انواع بلایا و بزرگی در اندازه مقیاس، دسته بندی می‌گردد.

## پی‌نوشت‌ها

- .....
۱. أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِيهَا هُوَ إِيجَادُ التَّحَوُّلِ، أَيْ التَّقَلُّبِ وَ التَّحْوِيلَ لِتَحْصِيلِ نَتِيجَةِ مَنْظُورَةٍ، وَ هَذَا الْمَعْنَى يَنْطَبِقُ عَلَى جَمِيعِ مَوَارِدِهَا وَ مَصَادِقِهَا، مِنْ دُونَ أَنْ يَتَجَوَّزَ أَوْ يَتَكَلَّفَ فِيهَا. وَ أَمَّا الْامْتِحَانُ وَ الْاِخْتِبَارُ وَ الْإِبْتِلَاءُ وَ التَّجْرِبَةُ وَ التَّبْيِينُ وَ الْأَعْلَامُ وَ التَّعْرِيفُ: فَكُلُّ هَذِهِ مَعَانٍ مَجَازِيَّةٌ وَ مِنْ لَوَازِمِ الْأَصْلِ وَ آثَارِهِ بِحَسَبِ الْمَوَارِدِ.
  ۲. حَدَّثَ: الْحَاءُ وَ الدَّالُ وَ الثَّاءُ أَصْلٌ وَاحِدٌ، وَهُوَ كَوْنُ الشَّيْءِ لَمْ يَكُنْ. يُقَالُ حَدَّثَ أَمْرٌ بَعْدَ أَنْ لَمْ يَكُنْ. وَ الرَّجُلُ الْحَدَّثُ: الطَّرِيُّ السَّنَنُ. وَ الْحَدِيثُ مِنْ هَذَا؛ لِأَنَّهُ كَلَامٌ يَحْدُثُ مِنْهُ الشَّيْءُ بَعْدَ الشَّيْءِ.
  ۳. شَرٌّ: الشَّيْنُ وَ الرَّاءُ أَصْلٌ وَاحِدٌ يَدُلُّ عَلَى الْإِنْتِشَارِ وَ التَّطَايُرِ. مِنْ ذَلِكَ الشَّرُّ خِلَافُ الْخَيْرِ. وَ رَجُلٌ شَرِّيرٌ، وَهُوَ الْأَصْلُ؛ لِإِنْتِشَارِهِ وَ كَثَرَتِهِ. وَ الشَّرُّ: بِسُطُوكِ الشَّيْءِ فِي الشَّمْسِ.



## کتابنامه

---

### قرآن کریم.

- ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
- اردلان، (۱۳۹۴ش)، تجربه یک مطالعه مبتنی بر جمعیت بررسی نیازها و وضعیت سلامتی در زلزله بم، مجله اپیدمیولوژی ایران، پاییز ۱۳۹۴ش.
- آزدی، عبدالله بن محمد، (۱۳۸۷ش)، کتاب الماء، تحقیق: محمد مهدی اصفهانی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل - دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- جصاص، أحمد بن علی الرازی، (۱۴۰۵ق)، أحكام القرآن، تحقیق: محمد الصادق قمحاوی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- جهانگیری، کتایون، (بی‌تا)، کتاب جامع بهداشت عمومی، فصل ۹، گفتار ۱۹، تهران، دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۲۸ق)، المفردات فی غریب القرآن، ضبط: هیشم طعیمی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
- رییس اکبری، قاسم، (۱۳۸۴ش)، مجموعه کتب آموزشی بهورزی بلایا و اقدامات اولیه، (بی‌جا)، مرکز بهداشت استان مرکزی.
- زبیدی، محمد مرتضی حسینی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، چاپ اول.
- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۳۹۹ق)، أساس البلاغه، بیروت، دار صادر.
- شریفی سده، مهرباب، (۱۳۸۹ش)، ارزیابی سانحه، نشریه امداد و نجات، (هلال احمر) دوره ۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹ش.
- صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الکتاب، چاپ اول.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم. همان، (۱۳۶۳ش)، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مقدمه: محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- عبیدلی، سید عمید الدین، (۱۳۸۱ش)، *إشراق اللاهوت فی نقد شرح الیاقوت*، تصحیح: علی امیر ضیایی، تهران، میراث مکتوب.
- عمو عبداللہی، مقاله رفتار (Behavior)، ص ۱: <http://pajoohe.ir>
- عسکری، حسن بن عبداللہ، (۱۴۰۰ق)، *الفروق فی اللغه*، بیروت، دار الآفاق الجدیدہ، چاپ اول.
- فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۰۷ق)، *المطالب العالیة من علم الإلهی*، بیروت، دار الکتاب العربی، چاپ اول.
- فراہیدی، خلیل بن أحمد، (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم، نشر ہجرت، چاپ دوم.
- فیومی، أحمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، قم، موسسہ دار الہجرہ، چاپ دوم.
- محمدی ری شہری، محمد، (۱۳۸۶ش)، *دانشنامہ عقائد اسلامی*، قم، دارالحديث، چاپ دوم.
- مشک سار، (۱۳۹۷ش)، *ارزیابی طیف آسیب پذیری لرزه ای با معیار تلفات انسانی*، مجله دانش شهرسازی، دورہ ۲، پاییز ۱۳۹۷ش.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.

<http://psychology.harferooz.com>. <https://fa.wikipedia.org/wiki>

<http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page>

<https://www.zistonlie.com/tag>